**کاظم نیکخواه**

**دور تازه ای از تشتت و بحران**

"مذاکره با آمریکا سمی مهلک است. این را برجام نشان داد" این آخرین سخن خامنه ای است که روز دوشنبه ١١ مرداد (اول اوت) بیان کرد. هم او سال گذشته در دفاع از مذاکرات، استراتژی "نرمش قهرمانانه" را روبروی حکومت قرار داده بود. این روزها حمله و نزاع و کشاکش در تمام بالای حکومتی ها ابعاد گسترده ای به خود گرفته است و در تمام رسانه های حکومت قابل مشاهده است.

از زمانی که مذاکرات اتمی جمهوری اسلامی با دولت های غربی آغاز شد، بحثهای زیادی در گرفته است. موضوع "آشتی جمهوری اسلامی با غرب" و ارزیابی از نتایج و عواقب مذاکرات، براستی دماسنج بسیار مهم و جالبی نه فقط برای تحلیل وضعیت جمهوری اسلامی، بلکه برای ارزیابی اپوزیسیون نیز هست. یکی از جاهایی که خیلی خوب میزان نوسان استراتژیک و بی افقی و سطحی گری نظری، و یا همچنین عمق و انسجام و تیزبینی سیاسی افراد و احزاب سیاسی مختلف را در بوته آزمایش گذاشت همین موضوع هسته ای و مذاکرات است. برخی افراد و جریانات واقعا الاکلنگ شدند. یک بار به این طرف و یک بار به آن طرف چرخیدند. عده ای نبضشان با نبض دولت روحانی و ملی اسلامی ها زد. گفتند بحران حکومت تمام شد. تنشهای حکومت بزودی تمام میشود. بزودی سیل توریستها و سرمایه های غربی به سوی ایران سرازیر میشود و بحران اقتصادیش تمام میشود.

در این بحث ما بارها و بارها گفتیم و نشان دادیم که سرمایه داری ایران از اواخر حکومت پهلوی تاکنون دچار بحران حاکمیت است. گفتیم حکومت اسلامی زاده بحران سیاسی و اقتصادی است. این حکومت بند نافش را با جنبش اسلامی و ارتجاعی "ضد آمریکائی گری" بسته اند. گفتیم سرمایه داری غربی از این ابزار و شرایط برخوردار نیست که حکومت اسلامی و اقتصاد ایران را از بن بست و بحران نجات دهد. گفتیم با توافق اتمی و برجام جمهوری اسلامی دچار بحران هویت میشود و تنشها و کشاکشهای درونیش نه فقط تخفیف نمی یابد بلکه تشدید میشود. گفتیم که اقتصاد ایران تحت حکومت اسلامی عمیق تر دچار ورشکستگی و بحران میشود و این بحران تا زمانی که این حکومت سرکار است چشم انداز حل شدن نشان نمیدهد. گفتیم که نباید اسیر جنجالهای تبلیغاتی اصلاح طلبان حکومتی شد که کارگران و مردم را به سیاست انتظار سوق میدهند. جنبش حق طلبی باید فعالتر به میدان بیاید.

اکنون یک سال پس از برجام آیا نمیشود ارزیابی روشنی از این جهتگیریها و بحثها و سیاستها داشت؟ آیا نمیشود دید که اوضاع جمهوری اسلامی به چه سمت سیر کرده است؟

آیا همین جدل روباز خامنه ای و روحانی اوضاع نزار و در هم ریخته حکومت را بازتاب نمیدهد؟ اینها معلوم است کارشان به جایی رسیده است که دیگر حتی نمیتوانند بنشینند و چشم در چشم یکدیگر بدوزند و بحث و مرافعه کنند. به نحو مسخره ای در سخنرانی های علنی با یکدیگر بحث و جدل میکنند. یکی میگوید برجام ذلت بود و دیگری جواب میدهد نخیر عزت بود. یکی میگوید مذاکره سم مهلک است و دیگری میگوید مذاکره منزلت و افتخار است.

طرفداران دولت روحانی تبلیغ میکنند که این بحثها و مخالفت خوانی ها با "برجام" واقعی نیست. بلکه برای اینست که نگذارند سال آینده روحانی به دور دوم برسد. اما این توضیح نیز اتفاقا بیشتر نشان دهنده عمق جنگ و بحران و کشاکشهای جناحی در درون حکومت است که یک اقتصاد دان طرفدار دولت روحانی آنرا بعنوان ریشه و منشاء رکود و بن بست لاینحل اقتصادی نام برده بود. در همایش "چشم انداز اقتصاد ایران در سال ٩٥" که مقامات دولت روحانی برگزار کردند، یکی از اقتصاددانان اش بنام رنانی میگوید "اقتصاد دچار چندین نوع رکود است. اقتصاد ایران طولانی ترین رکود تاریخ خودرا تجربه میکند... هیچ راه حل اقتصادی ای برای خلاصی از بن بست وجود ندارد". حتی وزرای خود دولت روحانی نیز به ریشه دار بودن رکود و بحران اعتراف کردند. در این همایش حتی از بمب انفجاری بیکاری سخن گفته شد. نمونه ها و شواهد بسیار است.

حرف آخر و اصلی اینکه: ما مردم باید بدانیم و تردید نداشته باشیم که تازمانی که این حکومت سرکار است چیزی جز بیکاری و نا امنی و فقر فزاینده و سرکوب نصیب ما نخواهد بود. این حکومت گویی رسالت تاریخی اش اینست که انتهای تحمل مردم را بیازماید. واقعا تا چه حد میتوان فقر و جنایت و تحجر و تحقیر و سرکوب را تحمل کرد؟ ما مردم سزاوار زندگی ای بهتر و انسانی هستیم.

نباید به حکومت فرصت داد که از این تشتت و بحرانش هم عبور کند. باید کل حکومت دزدان جنایتکار و کله خشک را با همه جناحهایش هرچه زودتر به زیر کشید. باید تمام تلاش و تمرکز را روی این هدف گذاشت.